

”منشوررفاه، آزادی و امنیت مردم ایران“ را برافرازید!

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئوس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتا یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

از دیدار با خامنه ای تا نیاز حیاتی به یک سرکوب!



امان کفا

در تبلیغات انتخاباتی مجلس، یکی از محورهای اصلی ابرازات ”اصلاح طلبان“، حول اهمیت شرکت مردم برای جلوگیری از حضور نمایندگان ”اصول گرایان“ بوده است. این همان دلیلی است که در انتخابات دوره قبلی هم به کرات مطرح می شد. امروز، سفر فوری و دیدار پوتین با خامنه ای، که سر تیرتر جراید ایران است، بدون شک ناشی از وقایع خاورمیانه است که هدف این سفر و نیاز به دیدار از نزدیک را تشکیل می دهد. اما اینجا، هدف نه آن دلایل، بلکه تاکید بر یک نکته معین، و آنهم نقش و جایگاه خامنه ای است. نقشی که بروشنی بی اعتباری سیاسی و بی ربط بودن ”اصلاح طلبان“ و جمعیت ”منتقدین“ ولی فقیه، در صحنه ”انتخاباتی“ مجلس را نشان می دهد.

این اما اولین بار نیست. مدتی است که بدنبال مذاکرات ”هسته ای“ و شروع برجام، بازار رفت و آمدهای نمایندگان شرکت های گوناگون به ایران، تورهای متفاوت رئیس جمهورها و نخست وزیران، و جلسات متعدد پشت پرده با ”مسئولین“ بسیار گرم است. گرمی که از این دریچه ”نجات“ و ”گشایش“ وعده داده شده بود، و قرار بود یکباره رونق اقتصادی و اشتغال آنچنان درجه ای از رشد پیدا کند که زیانزد زمین و زمان شود! وعده ای که پیشقراولان آن قرار بود، ”اصلاح طلبان“ باشند. وعده ای که ریاست جمهوری ”دنیای تمدن ها“ قرار بود به اجرا در آورد!

اما هیچ نماینده رسمی، مشخصا دولتی، نیست که به ایران سفر کرده باشد و جداگانه با خامنه ای ملاقات و گفتگو نکرده باشد. باری، امروز دیگر، همه می دانند که این پرچم، تمام و کمال در دست خامنه ای است، و ”اصلاح طلبان“، اپوزوسیون در حاکمیت، در مقابل آن تعظیم می کنند! ... صفحه ۲

گر گرفته های دیروز در پناه ”دکترین تعامل“ امروز



فواد عبداللهی

هنری کسینجر در آخرین تجزیه و تحلیل خود در مورد خاورمیانه میگوید: ”ایالات متحده آمریکا باید آماده تعامل و همکاری با ایران باشد. واشنگتن باید ضمن حمایت از متحدان عرب خود، به تعامل با ایران بپردازد. ما در منطقه خاورمیانه با پارادوکس هایی رو به رو هستیم. نباید فرض کنیم که سرنگونی نظام فعلی ایران هدف سیاست خارجی آمریکاست... در دراز مدت کمک به دموکراسی می تواند منجر به جایگزینی اسلام افراطی با اسلام مدرن شود...“ ... صفحه ۳

دفتر کردستان حزب حکمتیست
(خط رسمی)

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

(درحاشیه نشست وزیر اطلاعات با روحانیون استان کردستان)

روز دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۴ محمود علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نشستی با روحانیون استان کردستان برگزار کرده است. بر اساس گزارشی که وزارت اطلاعات از این نشست و اهداف آن داده است، هدف نشست تاکید بر ضرورت وحدت شیعه و سنی و مبارزه با ”افراط و تفریط“ و همکاری لازم میان روحانیون با دستگاههای امنیتی و نظامی و مبارز با داعش است. وزیر اطلاعات در این نشست ضمن تاکید بر برادری ایرانیان با هر قومیت و مذهبی بر همکاری کل دستگاههای نظامی و اطلاعاتی و هوشیاری ”سربازان گمنام“ تاکید کرد. وی در بخشی از سخنان خود نیز تاکید کرد که داعش را آمریکا درست کرده است و اسلام دین ”مهربانی و اعتدال“ است با هر نوع ”تندروی و کند روی“ مخالف است. وزیر اطلاعات و روحانیون مرتجع در نشست ایشان بیش از همه با نفرتی که بخش وسیعی از مردم در کردستان از ارتجاع مذهبی و قومی دارند، آشنا هستند. طبقه کارگر کردستان، زنان و جوانان و بخش محروم این جامعه ۳۶ سال است چوب اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی را از نوع داعشی آن تا ”میان رو و معتدل“ را بر جان و هستی خود احساس میکنند. ۳۶ سال است قوانین اسلامی را در خدمت ادامه حاکمیت سرمایه و توجیه بی حقوقی و بردگی کارگران، زنان و مردم زحمتکش به کار گرفته اند. جمهوری اسلامی به نام مذهب نسل کاملی از انقلابیون، زنان مبارز و رهبران آگاه و هوشیار طبقه کارگر و یک نسل کامل از کمونیستها را در سراسر ایران قتل عام کرد. ... ←

آزادی برابری حکومت کارگری

اطلاعه دفتر کردستان ...

در کردستان و برای مقابله و در هم کوبیدن جنبش انقلابی کردستان نه تنها وسیعاً دست به تبلیغات نفاق افکنانه مذهبی زد بلکه و بعلاوه وسیعترین اعدامها را پیش برد. ۳۶ سال است وزیر اطلاعات و کل دم و دستگاه سرکوب، با همه توان و با کشتار و زندان و تبلیغات وسیع و همه جانبه و با گرو گرفتن نان شب بخش اعظم مردم کل جامعه ایران و از جمله کردستان، در تلاشند جامعه را اسلامی کنند و موفق نشده اند. اسلام "معتدل" وزیر اطلاعات و کل دستگاه تحمیق جمهوری اسلامی و تلاش برای حقنه کردن و فروش آن به مردم کردستان نتیجه همین ناموفقیت است. وزیر اطلاعات در شرایطی که توحش گروههای قومی و مذهبی و

خصوصاً باندهای آدمکش و جنایتکار اسلامی در منطقه نفرت کل بشریت را برانگیخته است و آبرویی برای مذهب و دستگاه تحمیق آن باقی نگذاشته است، با پز مبارزه با داعش و علیه افراطی گری این باند جنایتکار به میدان آمده است تا مردم به اسلام آنها تسلیم شوند. در شرایطی که قوانین مذهبی از نوع داعش و از نوع شیعه و سنی و... آن همگی ضد انسانی و ضد هر نوع مدنیت و انسان دوستی است. جمهوری اسلامی از روزی که به قدرت رسیده است نه تنها یک پای اشاعه افکار متعفن مذهبی و تفرقه بر اساس مذهب بوده است، که کمتر از داعش از مردم ایران کشتار و جنایت نکرده است. مردم آگاه کردستان یادشان نرفته است که چگونه در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی انواع افکار مخرب و ارتجاعی از نوع سلفی گری تا

ناسیونالیسم و قومی گری را در کردستان و برای مقابله با افکار انسانی، چپ و برابری طلبانه رواج، و هزیننه های سنگینی را صرف آن کردند. رشد سلفی گری در کردستان زمانی ممکن شد که جمهوری اسلامی به کمک خیل مرتجعین و جیره خواران خود به کشتار کمونیستها و آزادیخواهان همت گذاشت و زندانهای خود را از جمله به کمک مرتجعین مکتب قران و روسای سلفی کنونی از آنها پر کرد و بساط شکنجه، اعدام و جنایات علیه آنها را به امر هر روزه خود تبدیل کرد. سلفی ها کنونی در کردستان همان مرتجعینی هستند که در کل پروسه قدرتگیری جمهوری اسلامی برای تقابل با افکار برابری طلبانه و سوسیالیستی علیه کارگران، کمونیستها و زنان و جوانان در یک صف واحد جنگیدند. وزیر اطلاعات و خیل مرتجعین

همراهش نیک بدانند، جامعه کردستان نه جولانگاه باندهای جنایتکار سلفی (داعشی ها) و نه قمه زنان و اسیدپاشان شیعه و نه جولانگاه قوم پرستان است. ما کمونیستها و آزادیخواهان کردستان اجازه نخواهیم داد که شهرهای کردستان به محل نفرت پراکنی قومی و مذهبی از هر نوع آن تبدیل گردد. دفتر کردستان حزب حکمتیست طبقه کارگر کردستان، زنان و جوانان آزادیخواه و کل مردم زحمتکش این جامعه را در دفاع از نوع دوستی و انسان دوستی، در دفاع از مدنیت و علیه کل جمهوری اسلامی و هر جریانی که بخواهد نفاق کثیف قومی و مذهبی را دامن بزند، فرامیخواند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست
۳۰ آبان ۱۳۹۴ - ۲۱ نوامبر ۲۰۱۵

از دیدار با خامنه ای ...

برخلاف ادعاهایی که سراسر میدیای بورژوازی ابراز می کرد، معلوم شد که ایران، کشوری "مستقل" از بازار جهانی و بی ربط به کل تقسیم کار بورژوازی امپریالیستی نیست. در این کشور هم، همچون تمامی کشورهای تحت سلطه سرمایه جهانی، چهره واقعی سرمایه می بایستی به وضوح، عریان باشد. نیروی کار ارزان، حضور نیروی کار ماهر و حاضر در بازار، نه تنها پیش شرط هر یک ریال سرمایه گزاری در این کشور، بلکه بخشی از داده و مفروضات بورژوازی "وطنی" است. فراتر اینکه، تنها نیرویی قادر به تامین این پیش شرط است که به همان وضوح، دیکتاتوری کامل و همه جانبه را عریان در مقابل جامعه قرار دهد. اجرای چنین نقشی، خود بنا به تعریف نیازمند مرجع تصمیم گیری است که بتواند فراتر از جناح های حاکمیت، قدرت بلامنازع بورژوازی را اعمال کند. در همین دوره، یکبار دیگر، خامنه ای و ولایت فقیه به همه نشان داد که این توان از عهده این مرجع برمی آید. او باما، قبل از شروع مذاکرات اظهار کرده بود که هرگونه مذاکره ای بدون حضور خود و یا نماینده مستقیم خامنه ای اعتبار ندارد،

و امروز هم پوتین در دوره برجام، رسماً و علناً همین را بیان و نشان داد. اول از همه خامنه ای "تندرو" و سپس در کنار او، روحانی و دولت "اعتدال" در این مذاکرات حضور دارند، و خبری از غرو لندهای مخالفین ولی فقیه نیست. ولی با وجود این بی افقی سیاسی و حسرت از ربودن پرچم سیاسی، آنچه تسکین بخش درد خون دل خوردن کل این اپوزوسیون طرفدار "سلطنت و نه دخالت مستقیم" ولی فقیه است، همانا فراغت خاطرشان از عملکرد حاکمیت تحت رهبری ولی فقیه در اعمال دیکتاتوری عربیانی است که سرکوب طبقه کارگر را به پیش می برد. این همدلی، این اشتراک پایه ای است که بنیاد و بند ناف کل اپوزوسیون درون حکومتی را به ولی فقیه گره زده است.

شرایط وخیمی که مردم و مشخصاً کارگران با آن روزانه دست بگریانند به حدی است که تنها با اعمال سرکوب وسیع و همه جانبه، و روبرنای سیاسی با حضور بلامنازع رهبر ممکن است. برخلاف داد و بیبادهای محبوب ها و همکاران پارلمانی اش، این قوانین و مصوبات جدیدی که هر روزه وضع می شود نیست که قرار است کارگر را ساکت کند. بورژوازی در ایران نیز از

این عاقل تر است که انتظار داشته باشد با قانون جلوی کارگر ظاهر شود تا سرکوبش کند. این تصویر برای به خیابان کشیدن کارگر است تا با آکسیون در مقابل مجلس، ابراز اعتراض کند و بعد هم به خانه خود بازگردد. این نوع اعتراضات "متمدنانه" آکسیونی، برای به کج راهه بردن اعتراضات کارگری علیه این شرایط است. قدرت کارگر، قدرت این طبقه، نه در خیابان، بلکه در همان محله و محیط تولیدی است که بورژوازی را مجبور به عقب نشینی می کند. این آن عرصه ای است که کل سرمایه را با تمام جناح هایش به هراس می اندازد. تبلیغات کل طرفداران صندوق های رای و "مبارزه انتخاباتی" جناح های جمهوری اسلامی، چه پوزوسیون و چه اپوزوسیون، برای ساتر کردن همین پایه قدرت کارگری است. نه اظهارات و نه سکوت جناحی، نه ژست های متمدنانه مجلس نشینان و رهبر و دولتش، بلکه ابلاغیه امروز رئیس حوزه قضایی دادگاه عمومی بندرامام خمینی، بیان رک و واضح جدیت سرمایه برای اجرای وعده های "بهبود" و "کشایش اقتصادی" است. جدال، و جدال متشکل، در این عرصه است که قادر به مقابله با کل بورژوازی است.

"با توجه به تجمع های غیر قانونی بعضی از کارگران و کارمندان در بعضی از شرکت های پتروشیمی لازم است جهت توجیه و جلوگیری از وقوع جرم موارد ذیل رعایت شود در غیر اینصورت وفق مقررات با مخاطبان برخورد قضایی خواهد شد.

۱- حقوق و مزایای کارگر و رابطه کارگر و کارفرما طبق قانون مدون به نام قانون کار مشخص شده است و طبق قانون فوق باید مطالبه گردد.

۲- در صورتی که کارگری به حق و حقوق خود اعتراض دارند می توانند به دادگاه مراجعه کرده و دادگاه نیز با اداره کار مکاتبه خواهد نمود و در صورتی که حقوق ایشان طبق قانون پرداخت نمی شود مسئولان مربوط موظف می شوند نسبت به پرداخت حقوق کارگر وفق مقررات اقدام نمایند.

۳- تجمع و اختلال در نظم شرکت های پتروشیمی خلاف قانون و مقررات است و طبق قانون برخورد قضایی بعمل می آید مجدداً تکرار می شود کارگرانی که به حقوق و مزایای خود اعتراض دارید با ارائه فیش مطالبات آنها پی گیری خواهد شد از این تاریخ با هر گونه تجمع غیر قانونی و اختلال در نظم شرکت ها، برخورد خواهد شد.

رئیس حوزه قضایی دادگاه عمومی بندرامام خمینی(ره)

گُر گرفته های دیروز...

درگیری های نظامی و بمب گذاری های مداوم انواع باندها و دار و دسته های قومی - مذهبی، که امروز حتی مرزهای خاورمیانه را در نوردیده و به قلب پایتختهای اروپا کشیده شده و در یک کلام از هم پاشیدن بنیادهای مدنیت و از هم گسیختن شیرازه جامعه در این منطقه، به طور واقعی نشان میدهد که هیچکدام از قطبهای امپریالیستی و متحدینشان نه تنها نمیتوانند امنیت را به منطقه بازگردانند بلکه خود یک پای جدی ادامه جنگ و ناامنی در اوضاع خاورمیانه اند.

امروز کارشناسان، و استراتژیست هایی چون آقای کسینجر دنبال راه حلی هستند که هزیمت سیاسی - ایدئولوژیک نظم و نظام سرمایه داری را به حداقل برسانند. میخواهند آب قاطی آن کنند، دستی روی سر متحدین محلی شان بکشند، با دشمنان و "محور شرارت" های دیروزشان معتدل شوند، اسلام را به "افراطی و مدرن" تقسیم بندی کنند، با بخشهای "معتدل" آن از نوع عربستان سعودی و جمهوری اسلامی تعادلی در دوسوی این جنگ برقرار کنند، امضا کنند، بیانیه صادر کنند و تعهد بدهند که میخواهند اختلافات را فعلا کنار بگذارند و اینبار همه با هم علیه تروریسم و "افراطی گری" بایستند!! نفس اعلام "دکترین تعامل" از جانب کسینجر اعلام این حقیقت است که سیاست حمله نظامی و تغییر رژیمها شکست خورده است و در بهترین حالت فعلا منتفی است. اما جوک ماجرا اینجاست که کسینجر اعلام میکند "در دراز مدت کمک به دموکراسی میتواند منجر به جایگزینی اسلام افراطی با اسلام مدرن شود!!"

و چراکه نه؟! لابی گری با جریانات و دول مرتجع اسلامی منطقه تحت نام "کمک به دموکراسی" و شکلگیری "اسلام مدرن" در متن هزیمت سیاسی امروز اردوی بورژوازی غرب است که برای استراتژیست هایی نظیر کسینجر

هنری کسینجر اوضاع شیرتوشیر و بحرانی خاورمیانه، و اختگی بورژوازی جهانی در بازگرداندن حتی یک نیمچه امنیت به آن منطقه را مبینند، و خوب میدانند که کار نه با قلدری نظامی و میلیتاریسم عنان گسیخته بورژوازی آمریکا و غرب و نه با دخالت سایر قطبهای امپریالیستی پایان نیافت، بلکه سرآغاز یک دوره سیاه پر از کشمکش بر سر سهم خواهی جناح های بورژوازی ملی و بین المللی در تاریخ جهان معاصر شده است. اکنون ایشان نیز ترجیحشان "عامل" و دیپلماسی و ایجاد یک توازن با سایر نیروها و دول درگیر در بحران خاورمیانه است و این را مسیر کاهش بحران و "کمک به دموکراسی" و شکل دادن به یک "اسلام مدرن" بجای "اسلام افراطی" میدانند. اما چرا چنین دکترینی را انتخاب کرده است؟ وی میدانند که سیاست جنگی و قلدری میلیتاریستی در دو جنگ کنکرت عراق و سوریه عملا قدرت را به آمریکا نداد. بی میلی امروزشان به استراتژی "رژیم پنج" و "سرنگونی نظام فعلی ایران" همین است و بس! برجام و عضویت جمهوری اسلامی ایران در کلوپ "جامعه جهانی" و گر گرفتنش در خاورمیانه محصول این روند است. اعلام موضع جناب کسینجر جدید نیست و بیش از هر چیز اعلام شکست سیاست جنگی آمریکا در خاورمیانه است. آمریکا نتوانست با عربستان، ترکیه، داعش و اپوزیسیون دست ساز ناتو به "رژیم پنج" و "صدور دموکراسی" در منجلابی که در سوریه بپا کرد به یک پیروزی سیاسی در مقابل سایر رقبای امپریالیست خود دست پیدا کند، به میز مذاکره و "دیپلوماسی" رو آورده است. وضعیت اسف باری که امروز بر خاورمیانه حاکم است، ناامنی مطلق، فقر و فلاکت و موج فراری که به مردم این منطقه تحمیل شده، تروریسم کور اسلامی و

به بقا خود ادامه میدهند. مهندسی یک خاورمیانه قومی - مذهبی در مقابل خاورمیانه سکولار و امن امروز تنها گزینه بورژوازی متعفن جهانی از آمریکا و روسیه و فرانسه تا ایران و عربستان و ترکیه است. همینقدر کافی است تا به ادعای پوچ کسینجر حول "کمک به دموکراسی" در پناه "تعامل" با رژیمهای "مدرن اسلامی" در منطقه، پوزخند نفرت زد. معنای این سیاست تلاش برای به راست چرخاندن بیشتر افکار عمومی، ترساندن جامعه و مهندسی منجلابی است که به رشد و گسترش انواع شبکه ها و باندهای تروریستی اسلامی و قومی منجر گشته است. مردم دنیا اکنون بیش از هر وقت دیگر در پس این ادعاها، تلاش بیهوده در جهت گریم کردن هزیمت بورژوازی غرب و جبهه های جنگ امپریالیستی موجود در خاورمیانه و تحمیل ناامنی و هراس و ترس از جنگ های قومی - مذهبی را بعنوان سرنوشت محتوم جهان می بینند.

از طرف دیگر، دموکراسی در طول تاریخ اشکال مختلفی به خود گرفته است. اما دموکراسی اسلامی از جنس عربستان مد نظر آقای کسینجر هیچ قرابت و نزدیکی با دموکراسی غربی یا دموکراسی لیبرال یا دموکراسی مستقیم ندارد. مبانی و مفاهیم موجود در آن کاملا در تناقض با مبانی پایه ای لیبرالیسم قرار دارند. این دموکراسی آنتی تزلزم و استبداد و حتی نابرابری حقوقی زن و مرد نیست. این دموکراسی نه بر مبنای آزادی بیان، حق تشکل و تحزب و اعتصاب بلکه بر مبنای نفی آزادی بیان و تشکل و با هدف تضمین کار ارزان کارگر بنا شده است. دموکراسی خود اساسا ربطی به آزادی و رهایی انسان نداشت. آزادی انسان را در نهایت در چهار چوب مناسبات حاکم طبقاتی و سرمایه به بند میکشید. در قبال مناسبات اقتصادی "ظاهرا" کور بود. ... ←

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب بر جمهوری اسلامی!

کارگران جهان متحد شوید! Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

است. مسئله بر سر درجه امادگی نیروی ذهنی، عنصر آگاهی و افق روشن کمونیستی رهبران سوسیالیست طبقه کارگر در ایران است اگر که تکانی بخورند میتوانند طلایه اولین تحولات عظیم قرن بیست و یکم به نفع بشریت در سراسر جهان شوند.

حکمتیت، هستی را بخوانید و آن را تکثیر و پخش کنید! حکمتیت را بدست کارگران برسانید!

داریم. مائیم که میتوانیم توجه افکار عمومی بشریت متمدن و آزادیخواه در سراسر جهان را به ضرورت حمایت از مبارزات و مطالبات طبقه کارگر در ایران و کل خاورمیانه جلب کنیم. امروز در دوره برجام، بزیر کشیدن بلاواسطه و مستقیم جمهوری اسلامی امر کمونیسم و انقلاب کارگری است. این تسمه نقاله تعرض طبقه کارگر جهانی به بورژوازی بین المللی و به این اعتبار پاک کردن خاورمیانه از ارتجاع مذهبی - قومی خواهد بود.

نیروی عینی و مادی برای رهایی از جمهوری اسلامی و کلیت ارتجاع سرمایه و قید و بند مناسبات طبقاتی و تمامی مصائب ناشی از این نظام آماده

شکلگیری یک نظام نوین اسلامی" میزند. ناگفته نماند که خامنه ای درباره جنایات پاریس گفته بود: "راه مقابله با جریانات وحشی و تروریستی چون داعش و خنثی کردن نفوذ تکفیری ها، فعالیت و تقویت حرکت های فکری اسلامی، معتدل و عقلانی است".

تا همینجا خیلی روشن است که دفاع از امنیت، مدرنیسم، آزادیخواهی، مدنیت و عدالت طلبی، صورت مسئله دموکراسی کسینجرها و بورژوازی غرب نیست. اینها امروز خود پس کشیده اند و پوتین ها، خامنه ای ها و روحانیها و اردوغان ها و شیوخ عرب را به جلو پرتاب کرده اند که مثلا منطقه را امن کنند!! روند مذاکرات و "معتدل" شدن این جنایتکاران با هم، بخشی از پروسه ادامه جنگ و ناامنی و تعرض بیشتر تروریسم اسلامی و دولتی به زندگی طبقه کارگر و مردم محروم ایران، خاورمیانه و جهان است و در همین چهارچوب باید بعنوان یک داده عینی سیاسی بررسی شود. پایان دادن به این وضعیت فاجعه بار امر ماست، کار طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه است. این مائیم که میتوانیم در برابر اردوی ارتجاع بورژوا - امپریالیستی، در مقابل تمام صفتندی ها و پرچمهای بورژوازی چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، افق و پرچم رهایی سوسیالیستی را بلند کنیم و نیروی مردم تشنه آزادی و امنیت و رفاه را به دور آن جمع کنیم. مائیم که میتوانیم و باید به عمر منحوس جمهوری اسلامی در ایران خاتمه دهیم. مائیم که پرچم بیرون بردن کل خاورمیانه از وضعیت بحرانی و پایان دادن به سهم خواهی خونین دول مرتجع منطقه را در دست

اما وضعیت مناسبات اقتصادی، حاکمیت سرمایه، نقش و جایگاه دولت، تقسیم جامعه به طبقات فرودست و بالادست را فرض میگیرد. دموکراسی خاورمیانه ای یا "اسلام مدرن" مد نظر کسینجر، برخلاف دموکراسی لیبرالی آنتی تزی برای مذهب و دستگاه مذهب نیست بلکه اساسا مبتنی بر دخالت مذهب در زندگی مردم و تحمیل اختناق بر جامعه است. امروز بورژوازی جهانی در صدد شکل دادن به این نوع از دموکراسی در ایران و خاورمیانه است. برجام برای "آقا" و کل بورژوازی ایران قدم گذاشتن در این راه است. راه دادن ایران به کلوب "جهان متمدن"، موش دوانی اش در منطقه تحت نام "مدیریت خاورمیانه" و قدم زدن سران آن در کریدور کاخهای سلطنتی غرب تلاشی برای تحکیم "اسلام معتدل" است. این بیان سیاسی سازش و توافقات هسته ای غرب با جمهوری اسلامی است. این قرار است معنای عملی "تعامل" و "تعادل" مورد نظر آنها با جمهوری اسلامی و عربستان سعودی در تفاوت با "اسلام افراطی" داعش باشد. "اسلام معتدل" تکرار همان مزخرفات جمهوری اسلامی، خامنه ای، روحانی و خیل "اصلاح طلبان" است که امروز در مقابل شکست مبانی ایدولوژیک اسلام و قوانین اسلامی خمینی (که از قضا روز خود توسط همین کسینجرها ساخته پرداخته شد) در مقابل نسل جدید زنان و جوانان و طبقه کارگر تشنه آزادی و برابری و رفاه، در مقابل دست رد زدن به سینه پان اسلامیسیم و صدور انقلاب اسلامی در ابعاد اجتماعی، دم از

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیت مدافع برجچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

"شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatist.com
سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در حزب و تشکل اوست!